

سُورَةُ الْبَلَدِ ٩٠

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام یگانه خدای جهان که بخشایش و مهر او بی‌کران

لَا أُقْسِمُ بِهَذَا الْبَلَدِ

﴿١﴾

وَأَنْتَ حِلٌّ بِهَذَا الْبَلَدِ

﴿٢﴾

قسم بهر این شهر آمد نزول همان جا که منزل تو داری، رسول!

وَوَالِدٍ وَمَا وَلَدَ

﴿٣﴾

و بادا قسم بر پدر هم پسر که ممتد ببخشد حیات را اثر

لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ فِي كَبَدٍ

﴿٤﴾

چنین ما بکردیم خلقت، بشر که در رنج و محنت بود مستمر

أَيَحْسَبُ أَنْ لَنْ يَقْدِرَ عَلَيْهِ أَحَدٌ

﴿٥﴾

بپندارد آیا که در زندگی؟ نگردد کسی چیره بر او همی
يَقُولُ أَهْلَكْتُ مَالًا لُبَدًا

﴿٦﴾

بگوید که دادم همی من به باد همه ثروتم را که بوده زیاد
أَيَحْسَبُ أَنْ لَمْ يَرَ أَحَدٌ

﴿٧﴾

تصور نماید زِ خام فکرش نبودست کسی آگه از نیتش؟
أَلَمْ نَجْعَلْ لَهُ عَيْنَيْنِ

﴿٨﴾

وَلِسَانًا وَشَفَتَيْنِ

﴿٩﴾

ندادیم بر ایشان دو چشمانشان؟ زبان و دو لب بهر گفتارشان؟
وَهَدَيْنَاهُ النَّجْدَيْنِ

﴿١٠﴾

هدایت نکردیم ما این بشر؟ که یابد ره خیر یا راه شر؟
فَلَا اقْتَحَمَ الْعَقَبَةَ

﴿١١﴾

ولی آدمی گه زِ جهل گران عَقَبه نیافت بهر خود در جهان
وَمَا أَدْرَاكَ مَا الْعَقَبَةُ

﴿۱۲﴾

چه دانی زِ معنای آن در نهان؟ عَقَبه چه است بهر این مردمان؟
فَكَ رَقَبَهُ

﴿۱۳﴾

زِ آزادی بنده‌ای در زمین؟ به راه خداوند و ربِّ مبین
أَوْ إِطْعَامٌ فِي يَوْمٍ ذِي مَسْغَبَةٍ

﴿۱۴﴾

و یا آنکه اطعام و پخش طعام؟ به روزی که قحطیست، حدِّ تمام
يَتِيمًا ذَا مَقْرَبَةٍ

﴿۱۵﴾

و یا بر یتیم کرده احسان و جود؟ زِ خویش و غریبه هر آن کس که
بود
أَوْ مِسْكِينًا ذَا مَتْرَبَةٍ

﴿۱۶﴾

و یا لطف به مسکین بیچاره‌ای؟ نشسته به خاکی و درمانده‌ای
ثُمَّ كَانَ مِنَ الَّذِينَ آمَنُوا وَتَوَاصَوْا بِالصَّبْرِ وَتَوَاصَوْا بِالْمَرْحَمَةِ

پس آنکه بگردند از مؤمنان به سوی خداوند و ربّ جهان
 به صبر و عطوفت برِ همدگر سفارش نمایند به هم مستمر
 أُولَئِكَ أَصْحَابُ الْمَيْمَنَةِ

ز اصحاب بیایند اندر یمین شوند رستگار عاقبت بالیقین
 وَالَّذِينَ كَفَرُوا بِآيَاتِنَا هُمْ أَصْحَابُ الْمَشْأَمَةِ

و آن کاو به آیات ما کافرست بود شوم و او بر ره باطلست
 عَلَيْهِمْ نَارٌ مُّؤَصَّدَةٌ

بود سهم این گونه قوم لئیم به آتش شدن غرق، قعر جحیم